فصلنامه تحقیقات علوم تربیتی در نظام آموزشی

شماره مجوز: ۹۴۲۲۱ ((شماره هشتم-بهار۱۴۰۴)) ISSN : 2981-099X

اهمیت و نوع رفتار خانواده دانش آموزان با آن ها و اثرات مثبت یا منفی روابط در موفقیت های تحصیلی[۱]

(تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۰۲/۲۲، تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۰۳/۰۱)

داوود ابوذرنیائی

چکیده

پیشرفت تحصیلی دانش آموزان یکی از دغدغه‌های اصلی خانواده‌ها در سراسر جهان است. مطالعات نشان می‌دهد عوامل متعددی بر موفقیت و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان تاثیرگذار است که یکی از مهم‌ترین این عوامل، نقش والدین است. در این پژوهش قصد داریم به نقش و میزان اهمیت رفتار والدین با دانش آموزان و میزان اثربخشی که در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دارد بحث کنیم. این موضوع یکی از مهمترین موضوعات جامعه است و باید با دقت به رفع این چالش پرداخت. زمانی که از تحصیل و موفقیت کودکان صحبت می‌شود، در حقیقت انگیزه‌ی خانواده‌ها برای دخالت در این موضوع بیشتر خواهد شد. در واقع مداخله‌ی والدین در این زمینه یکی از اصول و بخش‌های مهم در پیشرفت دانش‌آموزان به شمار می‌رود. اما با وجود اهمیت این مساله متأسفانه اکثر والدین نمی‌دانند از کجا و چگونه شروع کنند. البته باید توجه داشت با توجه به این موضوع مهم که درباره اهمیت و نقش والدین در موفقیت دانش‌آموزان وجود دارد، نحوه‌ی مشارکت نیز بسیار مهم است چراکه دخالت و حمایت خانواده‌ها در حقیقت همانند یک شمشیر دولبه است. اگر به درستی مدیریت و اجرا نشود، می‌تواند آثار مخربی را برای فرزندان به همراه داشته باشد.

واژگان کلیدی: پیشرفت دانش آموز، رفتار والدین با دانش آموز، اهمیت رفتار با نوجوان، درک احساسات دانش آموز

---

[۱] بر اساس نظر هیات داوران همایش های بنیاد علمی قانون یار این مقاله، به عنوان یکی از مقالات برگزیده و منتخب هفتمین همایش بنیاد علمی قانون یار تحت عنوان (همایش پژوهش های علمی علوم اسلامی و انسانی در عصر نوین) در تاریخ ۸ اسفندماه ۱۴۰۳ در دانشگاه رازی استان کرمانشاه برگزار شد، انتخاب گردید. این مقاله علاوه بر پذیرش در همایش، به صورت رایگان در فصلنامه تحقیقات علوم تربیتی در نظام آموزشی مورد پذیرش و چاپ قرار گرفت.

بخش اول: بررسی و شناخت اهمیت روش تربیت نوجوان در خانواده

نقش خانواده در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان به عنوان اولین و مهم‌ترین محیط تربیتی، نقشی بنیادینی و دارای اهمیت است. این محیط نه تنها بستری برای رشد عاطفی و اجتماعی کودکان فراهم می‌کند، بلکه زمینه‌ساز شکوفایی استعدادها و توانمندی‌های تحصیلی آن‌ها نیز می‌شود. خانواده‌هایی که محیطی گرم، صمیمی و پر از امنیت عاطفی ایجاد می‌کنند، به فرزندان خود کمک می‌کنند تا با اعتماد به نفس بیشتری در مسیر تحصیلی خود گام بردارند. در چنین فضایی، کودکان و نوجوانان تشویق می‌شوند تا استعدادهای خود را کشف کرده و به توانایی‌های خود اعتماد کنند. کلیه دست اندرکاران تعلیم و تربیت اعم از علمای قدیم و جدید و محققان روان شناسی تربیتی متفق القولند که بین عملکرد والدین و عملکرد تحصیلی فرزندان رابطه وجود دارد و ما درصدد آنیم که کدام مقوله رابطه نزدیکتر و مستقیم دارد تا با تقویت این متغیر و احیاناً اصلاح آن گامی هرچند کوچک در ارتباط با مسائل تعلیم و تربیت و نهایتاً پیشرفت تحصیلی فرزندان یک مملکت برداریم. پژوهشگران در نتیجه تحقیق دریافته اند افرادی که به خانواده های نیازمند و محله های فقیرنشین تعلق دارند غالباً از لحاظ یادگیری و پیشرفت های درسی از خانواده های طبقه متوسط وضع پایین تری داشته اند. کودکان طبقه پایین به دلیل عدم برخورداری صحیح و کافی از غذا لباس شایسته، مسکن و... کمتر به دانش اندوزی پیشرفتهای درسی علاقه نشان می دهند. از مدتها پیش معلوم شده است که تفاوتهای آشکاری بین هوش کودکان برحسب سطح اجتماعی اقتصادی والدین آنها وجود دارد. هر اندازه در مقیاس شغلی و اجتماعی بالاتر رویم، متوسط کودکان در آزمون های هوشی به همان اندازه بیشتر خواهد شد. تعداد کودکان باهوش در محیط های اجتماعی، اقتصادی پایین است. برعکس کودکان عقب مانده هوشی در محیط های اجتماعی اقتصادی فقیر بیشتر از تعداد آنها در محیط های اجتماعی اقتصادی غنی است. خانواده را می توان به عنوان یک سیستم اجتماعی یا به عنوان بخشی از یک اجتماع بزرگتر در نظر

گرفت و خانواده از یک سو با سازمان ها و موسسات اجتماعی مانند مدرسه بازار و اجتماع ارتباط دارد و از سوی دیگر اعضای خانواده را در بر می گیـرد. بنـابر ایـن اجتمـاع فـرد و خانواده به صورت یک سیستم با هم در ارتباط اند .اگـر خـانواده بـه طـور کامـل وظـایف اساسی خود را به انجام رساند و جامعه حیات خود را با استحکام بیشتری ادامه خواهد داد و سیستم خانوادگی فرد را برای وارد کردن به اجتماع و سیستم اجتماعی آماده می سازد. یکی از روانشناسان به نام هارلوک , خانواده را به صورت یک سیستم متعادل پیچیـده ای تعریف می کند که با ورود هر کودک این سیستم پیچیده تر می شود. اعضای خانواده سه نفر هستند (پدر و مادر و یک فرزند) در این جا سه نوع تعامل وجود دارد با اضافه شدن یک فرزند دیگر , شش تعامل خواهد آمد و اگر فرزند سومی به خانواده اضـافه شـود رقـم تعامل به ده می رسد و با ورود هر فرزند جدید دیگر تعداد تعامل ها به همین نحو اضـافه می شود ، بنابر این خانواده یک نهاد انسانی رو به رشد اسـت کـه حجـم و پیچیـدگی آن مرتب در حال دگرگونی است، و اعضای خانواده هم به عنوان فرد و هم به عنوان بخشی از واحد خونوادگی عمل می کنند اندیشه ی بشر همواره نعمتی گران قدر بـوده اسـت، ایـن وجه افتراق با سایر موجودات سبب شده است، تا انسان در رهگذر تاریخ و در طول زمـان به تکامل رهنمون شود، آدمی، از آغاز پا نهادن به این کره ی خاکی با مشـاهده ی پدیـده ها، مفاهیم و تصورات اولیه ای در ذهن خویش یافت، سپس در پی مفاهیم اسباب و علـل پیدایش پدیده ها و رویدادها و تحولات، به تفکر و تجربه روی آورد و در هر مرحله گـامی پیشتر فرا نهاد. خط و زبان، از ابداعات مهمی است که بعدها توسط بشر پدید آمد و انتقال تجربه ها و تفکرات افراد به یکدیگر را میسر ساخت.

بخش دوم: ایجاد مشکلات اجتماعی و ناهنجاری های اخلاقی بر اساس تربیت نادرست خانواده

چنان که سطح تحصیلات بی سوادی و یا کم سوادی اعضای خانواده، سطح پایین و نازل منزلت اجتماعی خانواده، ناآگاهی اعضای خانواده به ویژه والدین از مسائل تربیتی، اخلاقی و آموزه های مذهبی، عدم هم نوایی خانواده با هنجارهای رسمی و حتی غیررسمی جامعه، هنجارشکنی اعضای خانواده و اشتهار به این مسئله و مسائل دیگری از این دست مؤلفه هایی هستند که در قالب فقر فرهنگی خانواده در ایجاد شوک های روانی و روحی بر فرزندان نوجوان و جوان مؤثر است و انگیزه ارتکاب انواع جرایم آنان را دوچندان می کند. هر چند در بسیاری از خانواده ها، پدر و مادر دارای حضور فیزیکی هستند، اما متأسفانه حضور وجودی و معنوی آنان برای فرزندان محسوس نیست. در چنین وضعیتی، فرزندان به حال خود رها شده، ارتباط آنان با افراد مختلف بدون هیچ نظارت، ضابطه و قانون خاصی در خانوده صورت می گیرد. روشن است که چنین وضعیتی زمینه را برای خلا عاطفی فرزندان فراهم می کند.در برخی از خانواده ها پدر، مادر و یا هر دو، بنا به دلایلی همچون طلاق و جدایی، مرگ والدین و... نه حضور فیزیکی دارند و نه حضور معنوی. در این گونه خانواده ها که با معضل طلاق و جدایی مواجه هستند، فرزندان پناهگاه اصلی خود را از دست داده، هیچ هدایت کننده ای در جریان زندگی نداشته، در پاره ای از موارد به دلیل نیافتن پناهگاه جدید، در دریای موّاج اجتماع، گرفتار نامالیمات می شوند. علاوه بر طلاق، مرگ پدر و یا مادر نیز بسان آواری سهمگین بر کانون و پیکره خانواده سایه افکنده، و در برخی موارد به دلیل بی توجهی یا کم توجهی به فرزندان و جایگزین شدن عنصر نامناسب به جای فرد از دست رفته، ضعیف شدن فرایند نظارتی خانواده، افزایش بیمارگونه بحران های روحی و روانی فرزندان و... موجب روی آوری فرد به ناهنجاری ها و انحرافات اجتماعی می شود. همچنین با توجه به پژوهش های صورت گرفته در این زمینه، سارقان عمده عوامل سارق شدن خویش را بد رفتاری، بداخلاقی، بی

تفاوتی، بدزبانی و عدم برآورده شدن انتظارات از سوی همسر، خانواده و والدین دانسته اند در یک پژوهش، حدود ۶۸ درصد سارقان معتقدند که والدینشان در گرایش آنان به سرقت نقش داشته اند. با توجه به همین پژوهش، عدم رضایت از رفتار والدین، تربیت ناصحیح، عدم کنترل و نظارت بر فرزندان، مشکلات عاطفی ناشی از فوت یکی از والدین، بی تفاوتی والدین، بی سوادی آنان و... جملگی حکایت از عدم امکان و یا عدم کنترل و نظارت فرزندان توسط والدین داشته و از آن رو که ارتباط صمیمانه والدین با فرزندان در این پژوهش به میزان قابل توجهی کم بوده و والدین نسبت به فرزندان خویش بی توجه بوده اند، این گونه رفتارها موجب سرخوردگی فرزندان شده، زمینه ساز بروز مشکلات رفتاری برای آنان شده است. روی آوری به سرقت یکی از راه های برون رفت از نظر جوانان در این پژوهش تلقی شده است. یکی از موضوعاتی که از گذشته‌های دور افکار بسیاری از اندیشمندان رشته‌های مختلف علمی نظیر فلاسفه، حقوقدانان، روانشناسان و خصوصاً جامعه‌شناسان را به خود معطوف کرده، مسئله انحرافات اجتماعی است. در کمتر کتاب جامعه‌شناسی است که بخشی از کتاب، به این موضوع اختصاص نیافته باشد. از این رو جامعه‌شناسان تلاش می‌کنند تا به سؤالاتی که در این زمینه مطرح است، پاسخ گویند. سؤالاتی از این قبیل که مصادیق انحرافات اجتماعی کدام است؟ چرا در هر جامعه ای بعضی از اعضای جامعه، هنجارهای مورد قبول اجتماع را زیر پا گذاشته یا آنها را نقض می‌کنند؟ چگونه می‌توان افراد را بهنجار وهمنوا تربیت نمود و از رفتارهای انحرافی افراد پیشگیری کرد؟ برای کاهش نرخ کجروی و انحرافات اجتماعی از چه ابزارها و سازو کارهایی باید استفاده کرد؟ چگونه باید با افراد کجرو رفتار نمود و چه نوع مجازاتی را تعیین کرد؟... پدیده‌های اجتماعی به جهت ماهیت پیچیدهٔ آنها، کمتر با رویکرد تک عاملی تبیین می‌شوند. از این رو بررسی و تحلیل عوامل پیشگیری از انحرافات اجتماعی نیز از این قاعده مستثنی نمی‌باشد. این عوامل در یک تقسیم بندی شامل دو دسته کلی است:

الف) عوامل روانی: از قبیل شناخت صحیح، ارضای منطقی غرائز و امیال درونی، باورها و عقاید صحیح، خصوصیات روحی معتدل و....

ب) عوامل اجتماعی: این عوامل خود به دو دسته تقسیم می‌شود: عوامل اجتماعی کلان مانند نوع نظام سیاسی، عملکرد رهبران حکومتی، وسائل ارتباط جمعی، نقش استعمارگران خارجی و ... و عوامل اجتماعی خرد نظیر خانواده، گروه همسالان، محیط تحصیلی، محیط شغلی، مسجد و دیگر مکان های مقدس و.... جامعه شناسان بر این باورند که در بین مجموع این عوامل، خانواده یکی از مهم‌ترین عواملی است که می‌تواند بیشترین نقش را در جلوگیری از بروز انحرافات و جرائم اجتماعی ایفا نماید، همان طوری که می‌تواند عامل مؤثری در انجام رفتارهای انحرافی باشد. بنابراین اگر محیط خانواده در دوران کودکی فرد، یک محیط سالم، مناسب و بسامانی باشد، احتمال مصونیت این فرد از انجام رفتارهای انحرافی و نابهنجار بسیار فراوان است. تعاریف و مفاهیم کلیدی خانواده خانواده، مرکب از گروهی است که از طریق خون، ازدواج یا فرزندخواندگی به یکدیگر مربوط و منسوب بوده، برای مدتی طولانی و نامشخص با هم زندگی می‌کنند. خانواده مانند هر نهاد اجتماعی دیگر برای تأمین برخی از نیازهای اساسی انسان شکل گرفته است. این نیازها عبارتند از:

نظام بخشیدن به رفتارهای جنسی و تولید مثل انسان به عنوان موجودی زیستی، دارای علایق و تمایلات جنسی می‌باشد. اما مطابق فرهنگ جامعه، این خانواده است که تعیین می‌کند فرد با چه شخصی و در چه شرایطی رابطه جنسی داشته باشد و از این طریق رفتار جنسی افراد را قاعده‌مند می‌سازد و استمرار نسل‌ها را از طریق زاد و ولد طبیعی میسر می‌کند.

جامعه پذیر کردن کودکان خانواده در جهت دهی باورها، ارزشها و نمادهای مورد قبول یک جامعه نقش بسزایی دارد و از این طریق، زمینه همنوایی فرد با اعضای جامعه را فراهم می‌سازد. فراهم کردن امنیت اقتصادی خانواده در میان جوامع، وظیفه تأمین نیازهای اقتصادی و معیشتی اعضای خود را داشته و نیازهای مربوط به غذا، پوشاک و مسکن را فراهم کرده است. مراقبت و نگهداری از کودکان، معلولان و سالمندان خانواده مسئولیت نگهداری از کودکان، معلولان و سالمندان را به عهده دارد و نیازهای مادی، معنوی و عاطفی آنها را تأمین می‌کند و از این طریق امنیت و آسایش را برای آنها فراهم می‌سازد. انحراف اجتماعی انحراف در یک معنای عام، شامل هر نوع کنشی است که با هنجارهای پذیرفته شده یک جامعه همنوایی ندارد، بلکه آنها را نقض می‌کند. جامعه شناسان به دنبال انحرافاتی هستند که اکثریت اعضای جامعه آن را به صورت عام محکوم می‌کنند. به بیان دیگر آن دسته از نقض هنجارها را مورد بررسی قرار می‌دهند که در نظر عده زیادی از مردم گناه و خطا شمرده می‌شود.[۲] بنابراین هر انحرافی دارای دو عنصر اساسی و جوهری به نام «کنش» و نیز «شکستن هنجار مورد قبول جامعه» است. البته انحراف به مفهوم جامعه شناختی آن، یک امر نسبی است، یعنی زمانی یک فعل انحراف محسوب می‌گردد که در دیدگاه اکثریت اعضای آن جامعه نابهنجار تلقی شود. گرچه ممکن است آن رفتار در نزد اعضای یک جامعه دیگر، بهنجار شمرده شود. در این صورت طبیعی است که تعریف و محدوده انحراف، از یک زمان به زمان دیگر و از یک گروه و یک جامعه به گروه و جامعه ای دیگر متفاوت باشد. از این رو شکل‌های متفاوت کجروی بر حسب نوع واکنش جامعه نیز در دسته‌های کاملاً متفاوت قرار می‌گیرد. برای نمونه واکنش‌های حاکی از عدم تأیید، شکل‌ها و درجات کاملاً متفاوت و گوناگونی به خود می‌پذیرد و دامنه این قبیل واکنش‌ها، مواردی نظیر بی اعتنایی و روبرگردانی تا اظهار خشم، ابراز تنفر، طرد، محروم کردن از حقوق اجتماعی، نکوهش زبانی، تنبیه بدنی، بازداشت، جریمه، حبس و ... را در برمی‌گیرد.

بخش سوم: محیط عمومی و افراد جامعه

پنجمین عامل در بروز اخلاق تأثیرگذار، محیط عمومی و افراد جامعه است. محیط خواه محیط آموزشی باشد یا محیط کار و یا محیط زندگی، تأثیر فراوانی در کردار و رفتار انسان ها می‌گذارد. مراقبت در محیط هایی که به طریقی مدیریت خاص دارند، در سالم سازی آن موثر است و هر وقت این مراقبت به حداقل رسیده است نشانه‌های آن را می‌توان به سادگی مشاهده کرد. تعامل با افراد کم سواد، بزه کار و دارای سوء پیشینه، معتاد، بیکار، و ماجرا جو همواره مشکل ساز بوده است. پاک سازی محیط از لوث این گونه افراد در جلوگیری از ترویج فرهنگ بزهکاری یا تربیت ناسالم بسیار موثر است بنابر این پنجمین عامل به بحث جامعه شناسی مربوط است که این مقوله را نمی‌توان نادیده گرفت. از جمله محیط‌های عمومی، محیط‌های ورزشی است .ورزش در سالیان اخیر از محبوبیت ویژه‌ای برخوردار است. تمایل جوانان به ورزش و میادین ورزشی از بحث برانگیزترین مسائل حکومت ها است. پایان یک مسابقه مهم و جنجالی را می‌توان پیش بینی کرد. طرفداران دو تیم معروف پس از پایان مسابقه، به خیابان ها ریخته و با شکستن شیشه و چراغ‌های مغازه ها و بانک ها و هم چنین حمله به اتوبوس‌های عمومی و ایجاد راه بندان در خیابان ها و به هم زدن آرامش شهر و... که همگی نشان می‌دهد این ورزش از یک بدن سازی ساده فراتر رفته و به یک میتینگ سیاسی تبدیل شده است. ورزش و میادین آن، در رشد و یا عدم آن در جوانان بسیار موثر است. این رفتارها می‌تواند از انسان‌های سالم، افرادی پرخاشگر، عصبی، بد زبان، اهل دعوا ساخته و بسیاری از ناهنجاری ها را به دنبال بیاورد. در حالی که در دهه‌های گذشته، ورزش و ورزشکاری منجر به تربیت پهلوان می‌شد که آن شخص پهلوان در رساندن حق مظلومان و یاری ستمدیدگان مانند یک رهبر عمل می‌کرد. اسوه و الگو در ورزش می‌تواند موجب تربیت مثبت فرد شده و هم چنین می‌تواند در ساختار اخلاقی به گونه‌ای عمل کند که از شخص متربی، انسانی با ارزش‌های منفی و خلاف رفتارهای اجتماعی و وجدانی بسازد.

بخش چهارم: نکات مهم و اساسی برای رسیدن به پیشرفت تحصیلی فرزندان

بند اول: ایجاد محیط تحصیلی مثبت

ایجاد یک محیط تحصیلی مثبت برای فرزندان شامل فراهم کردن فضایی آرام و دور از حواس‌پرتی‌های رایج مانند تلویزیون و بازی‌های رایانه‌ایی است. این فضا باید به گونه‌ای باشد که فرزندتان بتواند بدون هیچ گونه مزاحمتی تمرکز کند. میز تحریر آن‌ها باید منظم و تمیز باشد و تنها شامل وسایل لازم برای مطالعه باشد تا فرزند شما بتواند به راحتی و بدون اتلاف وقت به مطالعه بپردازد. همچنین، نور مناسب در محیط تحصیل آن‌ها اهمیت دارد؛ نور کافی و غیر مستقیم به کاهش خستگی چشم و افزایش تمرکز کمک می‌کند.

بند دوم: تعیین اهداف واقع‌بینانه

تعیین اهداف واقع‌بینانه برای فرزندان یک رویکرد کلیدی و اصلی‌ترین نقش والدین در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان است. این فرایند شامل کمک به فرزندان برای تنظیم اهداف تحصیلی قابل دستیابی و منطقی است، که بر اساس توانایی‌ها و علایق آن‌ها شکل گرفته است. اهداف باید چالش‌برانگیز اما دست‌یافتنی باشند تا انگیزه لازم برای تلاش و پیشرفت را در فرزندان ایجاد کنند . بازنگری منظم این اهداف نیز مهم است تا اطمینان حاصل شود که آن‌ها همچنان متناسب با پیشرفت و تغییرات در توانایی‌ها و علایق فرزندان هستند. این روش به فرزندان کمک می‌کند تا یاد بگیرند چگونه برای رسیدن به اهداف خود برنامه‌ریزی کنند و تلاش کنند و در نهایت به آن‌ها اعتماد به نفس و احساس دستیابی به اهداف را خواهد داد.

بند سوم: تشویق به خودآموزی و تحقیق

تشویق فرزندان به خودآموزی و تحقیق یکی از موثرترین روش‌ها برای تقویت مهارت‌های یادگیری و خلاقیت آن‌ها است. این رویکرد شامل ترغیب فرزندان به جستجوی دانش به صورت مستقل و فعال است، به جای اینکه تنها به حفظ مطالب محدود شوند. با تشویق به استفاده از منابع آموزشی متنوع مانند کتاب‌ها، ویدیوها، نرم‌افزارهای آموزشی و تحقیقات اینترنتی، فرزندان می‌توانند مهارت‌های تحقیق و تحلیل خود را توسعه دهند و به دانش آموزان کمک میکند تا هوشمندانه تر درس های خود را فرا گیرند. این فرایند به آن‌ها کمک می‌کند تا از نحوه جستجوی موثر، ارزیابی اطلاعات و رسیدن به نتیجه‌گیری‌های منطقی اطلاع یابند. همچنین، خودآموزی و تحقیق به فرزندان اجازه می‌دهد تا موضوعاتی را که به آن‌ها علاقه‌مند هستند، عمیق‌تر کاوش کنند، که این امر به نوبه خود انگیزه و علاقه آن‌ها به یادگیری را افزایش می‌دهد.

بند چهارم: توجه به سلامت روانی و جسمی

مراقبت از سلامت روانی و جسمی فرزندان نقش مهمی در موفقیت تحصیلی آن‌ها دارد. اطمینان از خواب کافی، تغذیه سالم و فعالیت بدنی منظم به حفظ تعادل و تمرکز آن‌ها کمک می‌کند. همچنین، مدیریت استرس و فشارهای تحصیلی از طریق فعالیت‌های آرامش‌بخش مانند مدیتیشن، یوگا یا ورزش‌های سبک، می‌تواند به بهبود عملکرد آن‌ها کمک کند . مهم است که به فرزندان یاد دهیم چگونه احساسات خود را بشناسند و با آن‌ها به شیوه‌ای سالم برخورد کنند. این امر شامل گفتگو در مورد احساسات، مشکلات و نگرانی‌هایشان و یافتن راه‌حل‌های سازنده برای مقابله با چالش‌ها است. توجه به سلامت روانی و جسمی فرزندان به آن‌ها کمک می‌کند تا با انرژی و تمرکز بیشتری در فعالیت‌های تحصیلی خود شرکت کنند.

بند پنجم: تقویت مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی

مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی برای موفقیت تحصیلی و شخصی فرزندان بسیار مهم هستند. تشویق فرزندان به برقراری ارتباط موثر، گوش دادن فعال، ابراز احساسات و نظرات به شیوه‌ای سازنده و همچنین یادگیری چگونگی مدیریت تعارضات و حل مسئله، به آن‌ها کمک می‌کند تا در محیط‌های تحصیلی و اجتماعی بهتر عمل کنند. این مهارت‌ها به فرزندان امکان می‌دهند تا با همکلاسی‌ها و معلمان خود به شیوه‌ای موثرتر ارتباط برقرار کنند و در فعالیت‌های گروهی بهتر عمل کنند. علاوه بر این، تقویت مهارت‌های اجتماعی به آن‌ها کمک می‌کند تا اعتماد به نفس بیشتری در برقراری ارتباطات جدید داشته باشند و در محیط‌های مختلف اجتماعی راحت‌تر حضور پیدا کنند.

بند ششم: پشتیبانی عاطفی و تشویق

پشتیبانی عاطفی و تشویق مداوم مهم‌ترین نقش والدین در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان است که تقویت انگیزه و عملکرد تحصیلی فرزندان را به همراه دارد. تشویق فرزندان به تلاش و پشتکار، حتی در مواجهه با شکست‌ها و چالش‌ها، به آن‌ها کمک می‌کند تا احساس امنیت و اعتماد به نفس داشته باشند. ابراز تحسین و قدردانی برای تلاش‌ها و دستاوردهای آن‌ها، حتی اگر کوچک باشند، می‌تواند تاثیر بزرگی بر انگیزه و عزت نفس آن‌ها داشته باشد. همچنین، حمایت عاطفی در زمان‌های سخت، مانند مواجهه با نمرات پایین یا مشکلات تحصیلی، به فرزندان اطمینان می‌دهد که در هر شرایطی پشتیبانی می‌شوند. این نوع حمایت به آن‌ها کمک می‌کند تا با اعتماد به نفس و انگیزه بیشتری به تلاش‌های تحصیلی خود ادامه دهند.

بخش پنجم: اهمیت مشارکت والدین در فعالیت‌های مدرسه

مشارکت خانواده در فعالیت‌های مدرسه حیاتی‌ترین نقش والـدین در پیشـرفت تحصـیلی دانش آموزان است. این مشارکت، که می‌تواند از حضور در جلسات اولیا و مربیان گرفته تا دخالت فعال در برنامه‌های آموزشی و فرهنگی مدرسـه باشـد، بـه والـدین ایـن امکـان را می‌دهد که نقش موثرتری در تحصیل و رشد فرزندان خود ایفـا کننـد. وقتـی والـدین در فعالیت‌های مدرسه شرکت می‌کنند، نه تنها به فرزندان خود نشان می‌دهند که به تحصیل آن‌ها اهمیت می‌دهند، بلکه به آن‌ها کمک می‌کنند تا انگیـزه بیشـتری بـرای یـادگیری و کسب موفقیت‌های تحصیلی داشته باشند. این حضور فعال همچنین بـه ایجـاد ارتبـاط و همکاری موثر بین خانه و مدرسه کمک می‌کند، که این امر در شناسایی و **حل مشکلات تحصیلی** و رفتاری دانش‌آموزان نقش مهمی دارد. علاوه بر این، بـا حضـور در مدرسـه و مشاهده فرزندان در محیط تحصیلی، والدین می‌توانند درک بهتری از نیازها، توانایی‌هـا و چالش‌های فرزندان خود پیدا کنند. این درک عمیق‌تر به آن‌ها اجازه می‌دهد تا راهکارهای موثرتری برای حمایت از پیشرفت تحصیلی و رشد شخصی فرزندان خود ارائـه دهنـد. در نهایت، مشارکت والدین در فعالیت‌های مدرسه یک جز جدانشـدنی از تـلاش‌هـای جـامع برای تقویت پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان است.

نتیجه گیری

در جمع بندی و نتیجه گیری پایانی این مقاله فهمیدیم شکل خانواده و نحوه برخـورد بـا دانش آموز و همچنین نقش آن ها در این راسـتا بـر پیشـرفت تحصـیلی فرزنـدان تـاثیر مستقیم و بسزایی دارد. این مطلب با نظر جامعه شناسان و نظریه پردازان عرصه ی علـوم اجتماعی همسو بوده و هم خوانی دارد. لازم به ذکر است جنسیت سرپرسـت خـانواده بـر پیشرفت تحصیلی فرزندان تاثیر ندارد. همچنین باید گفت که لازمـه پیشـرفت تحصـیلی دانش آموزان دیرآموز و کلاً دانش آموزان داشتن سواد و تحصیلات خانواده ها مـی باشـد.

به تجربه نیز مشاهده شده است که اکثر افرادی که درجات علمی موفق را طی نموده اند والدین آنها تحصیل کرده و باسواد بوده اند البته مسئله وراثت، علاقه و انگیزه به فراگیری علم و دانش، شرایط آموزشی مناسب و... نیز بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان تأثیر دارد. به همین دلایل در خانواده های بی سواد و سطح پایین تحصیلات دانش آموزان کمتری از لحاظ پیشرفت تحصیلی مشاهده شده است لذا به عنوان یافته پیشنهاد می گردد، اگر چنانچه مسئولان همچنان که بر امر سوادآموزی تأکید دارند مصرانه به این امر مهم و اساسی همت ورزند و خانواده ها نیز خود را ملزم به استقبال از این هم بدانند این قضیه در آینده نه چندان دور به وقوع خواهد پیوست و برنامه ریز آموزشی کشور نیز حداقل آموزش عمومی را اجباری نمایند تا فرزندان که پدران و مادران فردایند خدای ناکرده افرادی بی سواد نباشند که نسل بعدی دچار ضرر و زیان و خسارت نسل امروزی نگردد. نهایتاً باید توجه داشت نقش والدین در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان بسیار حیاتی و تعیین‌کننده است. از ایجاد یک محیط تحصیلی مثبت و تشویق به تعیین اهداف واقع‌بینانه گرفته تا تقویت مهارت‌های خودآموزی و توجه به سلامت روانی و جسمی فرزندان، همه و همه نشان‌دهنده اهمیت مشارکت فعال والدین در زندگی تحصیلی فرزندانشان است. علاوه بر این، تقویت مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی و ارائه پشتیبانی عاطفی و تشویق مداوم، به فرزندان کمک می‌کند تا با اعتماد به نفس و انگیزه بیشتری در مسیر تحصیلی خود پیش بروند. همچنین، مشارکت والدین در فعالیت‌های مدرسه نه تنها به تقویت پیوند بین خانه و مدرسه کمک می‌کند، بلکه به والدین امکان می‌دهد تا درک عمیق‌تری از نیازها و چالش‌های فرزندان خود داشته باشند و به آن‌ها در رسیدن به موفقیت‌های تحصیلی کمک کنند.

منابع و ماخذ

۱) افروز، غلامعلی (۱۳۸۱) چکیده ای از: "روانشناسی تربیتی کاربردی" ، تهران : انتشارات انجمن اولیاء ومربیان

۲) امین فر،مرتضی (۱۳۶۸) ، "علل وعوامل افت تحصیلی وچگونگی کاهش آن ، فصلنامه تعلیم وتربیت".

۳) ایرجی ،پروانه ، "عوامل موثردرترک تحصیل دانش آموزان" .

۴) بازرگان ، زهرا (۱۳۸۶) ، "تغییر و نوآوری درمدارس" تهران : انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.

۵) بیابانگرد ، اسماعیل (۱۳۸۴) ، روانشناسی تربیتی تهران : انتشارات ویرایش.

۶) بیابانگرد ، اسماعیل (۱۳۸۰) ، "روش های پیشگیری از افت تحصیلی"، تهران : انتشارات انجمن اولیاء ومربیان.

۷) بوردیووپاسرون ، "شکست های تحصیلی" ، ترجمه : محمدرضا شجاع (۱۳۷۹) ، تهران: انتشارات آستان قدس

۸) پارسا ، محمد (۱۳۸۰) ، "روانشناسی تربیتی" ، تهران : انتشارات نی

۹) پی کیوز، جان ، "دنیای یادگیری درمدرسه "، ترجمه : فرخ لقاء رئیس دانا ، (۱۳۸۰) ، تهران : انتشارات تعلیم وتربیت

۱۰) شجاعی،ایمان (۱۳۸۱)،"اهمیت ونقش آموزش خانواده درآموزش وپرورش درمجموعه مقاله های همایش معلم پژوهش وتوسعه"، اردبیل .

۱۱) شعبانی ، حسن ؛ روش تدریس پیشرفته (آموزش مهارت ها و راهبردی تفکر) ، تهران،انتشارات سمت.

۱۲) شوارتز ، د.ترجمه ژنا بخت آور؛کتاب جادوی فکر بزرگ، چاپ ۱۳ ، تهران ،انتشارات فیروزه .

۱۳) حیدری، عباس؛ کوشا، محسن. (۱۳۸۲)بررسی ارتباط بین سبک های اسنادی دانشجویان رشته پرستاری با پیشرفت تحصیلی، مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی.

۱۴) چلبی، مسعود و توران روزبهانی(۱۳۸۶)نقش خانواده به عنوان عامل و مانع بزهکاری، پژوهشنامه علوم انسانی.

۱۵) کدیور ، پروین ؛روانشناسی یادگیری . تهران : سمت (ویراست دوم).

۱۶) میرصدوقی، سیدحسن، بررسی ارتباط بین سبک های استاد علی، سلامت روان و پیشرفت تحصیلی دانشجویان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز۱۳۷۸.

۱۷) نجاریان، بهمن؛ عطاری، یوسفعلی، زرگر، یداله، ساخت و اعتباریابی مقیاسی برای سنجش کمال گرایی، مجله علوم تربیتی و روان شناختی دانشگاه شهید چمران اهواز، سال ششم، .